

## مقام معظم رهبری در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری - 14 اردیبهشت/ 1379

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه برادران و خواهرانی که لطف کردند و تشریف آوردند، خوشامد عرض می‌کنم و روز شریف معلم و روز شریف کارگر را به معلمان عزیز و به کارگران عزیز تبریک می‌گویم. همچنین یاد استاد شهید بزرگوار و معلم پیشرو این وادی - مرحوم آیه‌الله شهید مطهری - را که حق بزرگی به گردن ملت و انقلاب ما دارند، گرامی می‌دارم. درباره این دو جامعه مهم - جامعه کارگری و جامعه معلمان - سخنان بحق و بجا و زیادی گفته شده است. شکی نیست که این دو قشر جزو اثرگذارترین قشرهای جامعه در حال و آینده کشورند. معلمان، سازندگان انسانند؛ انسان والا، انسان پیشرو، انسان تربیت شده، انسان باسواد. در واقع این معلمان هستند که ماده اصلی درجه اول عالم خلقت را که وجود آن برای همه پیشرفته‌ها و تعالیها - چه مادی و چه معنوی - شرط اصلی و محوری است، پرداخت می‌کنند، به ثمر می‌رسانند و کارآمد می‌سازند. اگر جامعه معلمان در یک کشور، عزیز و گرامی داشته شوند، این فقط عزیز داشتن یک عده از مردم نیست؛ این عزیز داشتن علم و تعالی و پیشرفت است؛ عزیز داشتن انسان است. این که در کشور از معلمان تجلیل می‌شود، صرفاً لفاظی و تعارف نیست. معنای این حرفها و این گفتنها این است که فضای عمومی کشور قدر علم و تعلیم و آدم شدن و عالم شدن را بدانند. این حرفها برای این است که کلاس درس، معلم درس و پدید آورنده علم و درس، گرامی داشته شود. ملتی که قدر علم و آموزش و معلم و اهمیت فرهنگ را نداند، به هرکجا هم برسد، آسیب پذیر است. از لحاظ مادی هر رشدی هم بکند، قابل سرنگون شدن و شکست خوردن است.

تجلیل از کارگران هم از دو جهت است: یکی به خاطر این است که هر کشوری هرچه رشد مادی و ثروت دارد، از سرانگشت کارگر دارد. کارگر است که ثروت را تولید می‌کند و رشد اقتصادی را به وجود می‌آورد. اگر کارگر نباشد، همه طراحان و برنامه ریزان و متفکران اقتصادی، کارشان بیهوده خواهد ماند. آن عنصر و عاملی که همه فکر و هدفها و برنامه‌ها و پیشرفتهای علم اقتصاد را در مقام عمل تحقق می‌بخشد، سرپنجه کارگر است. پس کارگر حق بزرگی به گردن همه آحاد ملت دارد؛ به خاطر این که محصول کار اوست که زندگی مردم را به طور روزبه روز و عملی و فعلی سامان می‌دهد.

جهت دوم که از کارگر تجلیل می‌کنیم، این است که تجلیل از کارگر، تجلیل از کار است؛ کار بسیار مهم است. چقدر بیکاری به بشریت خسارت می‌زند؛ چه بیکاری بر اثر تنبلی و عدم همت شخص باشد، چه بر اثر این باشد که او قادر به کار نیست؛ چون کار وجود ندارد. پس، کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی است. عامل حقیقی و واقعی برای پیشرفت یک کشور، کار است. بنابراین، ما از کارگر تجلیل می‌کنیم، تا از کار تجلیل شود. معلمان و کارگران، دو قشر بسیار مهمند. نه این که قشرهای دیگر اهمیتی ندارند؛ چرا، هر مجموعه‌ای در درون خود، عناصر به وجود آورنده و زاینده و تشکیل دهنده دارد و همه در جای خود مهمند؛ اما توجه به این دو قشر، مانع از این می‌شود که غفلت بزرگ و خسارتباری کشور و مردم را فرا گیرد. چه کسی باید توجه کند؟ در درجه اول، مسؤولان امر و در درجه دوم، همه آحاد مردم. قدر معلم را بدانند، قدر کارگر را بدانند؛ اینها ارزش است. معلمان و کارگران انسانهایی هستند که عمر خود را در کاری صرف می‌کنند که آن کار پیش خدای متعال گرامی و عزیز است. اگر به سابقه بیست و یکساله انقلاب و همچنین سالهای آخر قبل از انقلاب - بخصوص سال آخر آن - نگاه کنیم، می‌بینیم که نقش این دو قشر در پدید آمدن انقلاب و نیز در ادامه راه انقلاب و پیروزیهای آن، نقش تعیین کننده‌ای بوده است. اگر معلمان نبودند، این همه دانش آموز و این همه جوان، در جبهه‌ها و در صحنه‌های انقلاب و در کارهای مربوط به سازندگی حضور پیدا نمی‌کردند؛ معلمان بودند که بچه‌ها را وادار کردند. در این زمینه، بخشی از معلمان فداکاری واقعی کردند و خودشان برای شاگردانشان مقتدا شدند.

همچنین کارگران، هم قبل از انقلاب، هم بعد از پیروزی انقلاب، در دوران جنگ تحمیلی و در میدانهای مختلف امتحان خود را دادند. آنها در صحنه حضور پیدا کردند و به کم ساختند و نگذاشتند کارخانه ها تعطیل شود، تا ما توانستیم این راه پر گردنه صعب العبور بیست و یکساله را طی کنیم و به این جا برسیم. بنابراین، هر دو قشر امتحان خوبی دادند.

یکی از کارهای مهم هر دو قشر، مبارزه با کسانی بود که می خواستند یا مدارس و کلاسها را تعطیل کنند، یا کارخانه ها و کارگاهها را به تعطیلی بکشانند. یقیناً بعضی از شما می دانید که بسیار سعی و تلاش شد که جمهوری اسلامی با اعتصابهای کارگری مواجه شود. چه کسانی در مقابل اینها ایستادند؟ خود کارگران. خواستند مدارس را تعطیل کنند؛ چه کسی در مقابلشان ایستاد؟ خود معلمان. اینها پیش خدا بسیار اجر و قیمت دارد. امروز هم همین طور است. امروز هم انسان زمزمه هایی را می شنود که به مناسبت فلان مسأله، فلان قانون، فلان بهانه، عده ای سعی می کنند، یا بعضی از مراکز تلاش سازمان یافته می کنند، شاید بتوانند به نحوی بدنه کارگری کشور را فلج کنند! می دانید چه بر سر کشور می آید؟ آنها این را می خواهند. آنها حقوق کارگر را دنبال نمی کنند. سعی آنها این است که این راه سختی را که امروز دولت و مسؤولان در پیش دارند و عرق ریزان و تلاش کنان و با توکل به خدا در مقابل این همه توطئه متراکم - محاصره های اقتصادی، خباثنهای استکبار جهانی، کارشکنیها، مانع تراشیها - پیش می روند، متوقف کنند. چگونه؟ نگذارند کار در کشور باقی بماند و بدنه کارگری را از کار منفع کنند تا فلج شود. اگر در جامعه رونق اقتصادی نباشد، اگر تولید کار و تولید ثروت نباشد، از جمله کسانی که در درجه اول بیشترین صدمه را خواهند دید، باز هم همین قشرهای مستضعف و محروم و بخصوص قشرهای کارگری هستند. دشمن این را می خواهد. امروز عده ای ساده لوحانه سعی می کنند چشمهای خودشان را ببندند و دشمن را نبینند. لیکن واقعیت این است که دشمن دست به کار است و می خواهد حرکت جمهوری اسلامی را هر طور بتواند؛ با تبلیغات، با جنجالهای سیاسی، با هیاهو، با ادعای طرفداری از این قشر و آن قشر متوقف کند. همتشان این است که در جمهوری اسلامی کارها فلج شود و کاری پیش نرود. امروز دولت و مسؤولان تلاش می کنند. امروز مسأله اشتغال یکی از مهمترین مسائل کشور ماست. مسؤولان باید سالی چند صد هزار فرصت شغلی به وجود آورند تا بتوانند جوانانی را که عازم و آماده میدان کار هستند، به کار وادار کنند. تولید شغل کار آسانی نیست؛ برنامه ریزی و تلاش و خیال راحت می خواهد. عده ای می خواهند نگذارند این کارها انجام گیرد. این عده چه کسانی هستند؟ دشمنان و تحریک شدگان اینها به جان قشرهایی می افتند که دچار نابسامانیهایی هستند. البته تا امروز نیت غرض آلود دشمنان نتوانسته است بر جامعه فرهنگی و کارگری ما غلبه پیدا کند و آنها را ابزار دست سازد. آنها بدانند یقیناً بعد از این هم نخواهند توانست؛ اما شرط اصلی هوشیاری است. همه باید هوشیار باشند. جوانان، معلمان، کارگران، دانش آموزان و دانشجویان باید بیدار باشند و بدانند که دشمن در پی چیست. دولت و مسؤولان گوناگون هم باید تلاش خود را بکنند. برنامه هایی هست؛ ان شاءالله این برنامه ها اجرا شود و پیش برود و بتدریج نابسامانیها برطرف گردد. يك جمله هم می خواهم به بعضی از مسؤولان عرض کنم. امروز کشور ما در حال گذر از يك دوران سخت اقتصادی است، تا ان شاءالله به يك دوران باز، آزاد، خوب و برخوردار از رفاه برسد که مردم بتوانند از منافع و عطایا و هبات این طبیعت عظیم و این امکانات فراوانی که در کشور ما هست، استفاده کنند. ما تلاش همه را هم لازم داریم؛ لیکن یکی از آفاتی که در همین دوران متوجه حرکت رشد و توسعه عمومی کشور است، این است که به وسیله سوءسیاستها در کشور، شکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسیار مراقب باشند. عده ای فقط به خود فکر می کنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و نه به آینده کشور فکر نمی کنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می اندیشند. دستگاههای مسؤول نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه می کنید که تولید بالاست، کارخانه های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید می شود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته

ی اروپایی و غربی. آنچه که از این کشورها در تلویزیونها و از پشت دوربینها به من و شما نشان می دهند، جاهای خوبش است. محلات فقیرنشین و زندگیهای تلخ و گرسنگیها و محرومیتها و حسرتها را که نشان نمی دهند؛ ساختمانها و خیابانهای عالی و باغهای بزرگ و امثال اینها را نشان می دهند! اگر پیشرفت صنعتی و رونق اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، می شود همین وضعیت و وضعیتی که از آنها هم بدترند. ما که این را نمی خواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی خواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می خواهیم. البته نمی گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن جایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و در عین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدالت اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمی شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.

مسئولان سررشته دار امروند. از طرفی باید اجازه بدهند که کسانی از مجاری صحیح، تلاش اقتصادی سالم و قانونی بکنند - چون تولید ثروت در اسلام مذموم نیست - اما باید جلو استفاده از روشهای غیرقانونی، استفاده از راههای تقلب و خدعه و مکر و سوءاستفاده از ثروتهای عمومی را بگیرند. اینها ممنوع است. فاصله ها باید کم شود. پاره ای از این حقوقها، پاداشها و دریافتهایی که بعضی افراد دارند - که از بیت المال هم هست - اصلاً قابل توجیه و قابل فهم و قبول نیست. کسانی که از اموال دولتی و از بیت المال استفاده می کنند، بایستی به قدر حق و ارزش کارشان برخوردار شوند. نمی شود که عده ای برخورداریهای زیاد داشته باشند. البته انقلاب اسلامی این بُت تبعیض و طاغوت پروری را در این کشور شکست. قبل از انقلاب، فاصله بین فقیر و غنی يك امر اجتناب ناپذیر تلقی می شد. کسی جرأت نمی کرد بگوید بالای چشمستان ابروست. انقلاب اسلامی آمد و راه عدالت اجتماعی را باز و مسیر را هموار کرد. اما ما باید عمل کنیم. آن کسی که قانون می گذارد، آن کسی که تصمیم می گیرد و آن کسی که برنامه ریزی می کند، باید ملاحظه عدالت اجتماعی را بکند. چند روز قبل از این، سیمای جمهوری اسلامی مدرسه ای را در یکی از روستاهای بوشهر نشان داد که از مشاهده آن وضعیت، دل من به درد آمد! يك عده جوان در گوشه ای از همین کشور، با آن شرایط سخت به دبیرستان می روند؛ آن وقت چند کیلومتر آن طرفتر در وسط دریا، شما ببینید با ثروتهای بادآورده چه کارهایی می شود! در نظام جمهوری اسلامی، این روش درست نیست؛ غلط است. مسئولان باید مراقبت کنند. هرکس وظیفه ای دارد و باید وظیفه اش را دقیق انجام دهد. مسئولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرنه باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه کارگری، همین معلمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می روند دفاع می کنند و سینه سپر می سازند.

همه قشرهای گوناگون مردم - چه کارگران، چه معلمان، چه کارمندان ادارات، چه کارمندان بخشهای مختلف - سعی کنند ان شاءالله با هوشیاری و دقت، کار را به بهترین وجهی انجام دهند؛ مسئولان هم مسؤولیتهای خودشان را درک کنند. ان شاءالله این جامعه بر اثر تلاش مسئولان به آن جایی برسد که حق اوست؛ آن جایی که خدا برای او معین کرده است؛ یعنی ان شاءالله اوج رستگاری؛ هم دنیایی و مادی و هم معنوی و الهی. امیدواریم خداوند ما را به وظایفمان آشنا سازد؛ در راه انجام آن وظایف ما را کمک کند؛ دست ما را بگیرد و از انحراف و کجروی باز بدارد. امیدواریم که تفضلات حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه متوجه شما باشد و ان شاءالله یاری و دعای آن بزرگوار شامل حال همه شما و ما گردد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته